نمود طبیعت در لالایی‌های هرمزگان

بهجت نجیبی فینی *
مژگان گلستانی**

چکیده

لالایی نجوای مهرانگیز والدین است برای آرامش بخشیدن به کودک در هنگامه‌ی خواب؛ نجوایی که مادران در آن بیشتر هنرنمایی کرده و هنرشان مورد قبول مخاطب (کودک) قرار گرفته است. بر همین اساس، این هنر به نام مادران ثبت می‌شود و خود از موضوعی پر اصالت پرده بر می‌دارد؛ و آن اهمیت نقش مادران در تربیت کودکان و تأثیر گذاری عاطفی بر آنها است.

سال‌ها تحقیق نشان می‌دهد که موسیقی و کلمات ملایم، آرام و منظم مانند لالایی، با تحریک امواج دلتا در مغز ذهن را آرام می‌سازد و موجب خواب رفتن می‌شود. لالایی‌ها، جزء اوّلین و ابتدائی‌ترین اشکال شعر غیر رسمی یا افواهی کودکان محسوب می‌شود و قدمتی برابر با نخستین اشعار فارسی دارد و جزء ادبیاتِ فولکلوریک به شمار می‌رود.

لالایی یکی از گونه‌های ادبیات شفاهی است که در شکل‌گیری گفتمان عامیانه و فولکلور جوامع تأثیر زیادی دارد. لالایی‌ها نخستین پیمان آهنگین و شاعرانه‌ای است که میان مادر و کودک بسته می‌شود و آرزوهای مادر را بی‌تشویش و ساده بیان می‌کند. لالایی‌ها از گذشته‌های دور، در ادبیّات شفاهی هرمزگان رایج بوده، سینه به سینه بازگو شده تا به زمان حال رسیده است. هدف از نگارش این مقاله آشنایی با لالایی‌های خطه‌ی جنوب و بررسی نمودهای طبیعت در آنها است.

کلیدواژه‌ها: باورهای عامیانه، خرافه، باورهای زاینده، باورهای بازدارنده، هرمزگان.

* دکترای زبان شناسی و هیأت علمی دانشگاه پیام نور بندرعباس. behjatnajibi@yahoo.com

**دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور واحد ابوموسی. Mojgan.gol51@yahoo.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

۱ـ مقدمه

شعر فارسی گذشته‌ای درخشان دارد؛ اما با وجود این در ادب گذشته‌ی ایران، هیچ یک از سخن‌سرایان زبان فارسی به گونه‌ای اختصاصی به ادبیّات کودک نپرداخته و اثری مختص به کودکان پدید نیاورده است.

شعر مکتوب کودک در ادبیّات ایران، از دوره‌ی بیداری آرام آرام پدیدار گشت و از آغاز سده‌ی چهارده هجری کم کم نوشته‌هایی درباره‌ی ادبیّات کودک و نوجوان نگاشته‌شد. لالایی‌ها از جمله ادبیّات شفاهی هر سرزمینی هستند؛ چرا که هیچ مادری آنها را از روی نوشته نمی‌خواند و همه‌ی مادران بی آنکه دریابند از کجا و چگونه، آنها را می‌دانند. انگار دانستن لالایی و لحن ویژه‌ی آن از روز نخست برای روان زن تدارک دیده شده است (یغمایی، ۱۳۸۷).

لالایی‌ها در کنار متل‌ها، منظومه‌ها، ترانه‌های عامیانه کودکان و ... یکی از گونه‌های منظوم ادبیّات کودک است که از سرچشمه‌ی عاطفه، احساس و مهر جوشیده و در حوزه‌ی ادبیّات عامیانه بررسی آنها امکانپذیر است. لالایی‌ها از قدیمی ترین، دلپذیرترین و زیباترین نمونه‌ی ترانه‌های عامیانه هستند که با آواز حزین برای خواباندن و گاهی برای نوازش کردن کودکان خوانده می‌شود. لالایی‌ها مانند سایر انواع ادب عامه، سرشار از زندگی و واقعیت‌های آن می‌باشد.

لالایی‌ها واژه‌هایی ساده دارند که در کنار هم قرار گرفتنشان گاه به دور از اصول و قواعد شعر سنّتی است که این دوری نه تنها عیب لالایی‌ها نیست بلکه حسن آنهاست؛ چرا که در آن توجّه به سادگی و احساس مطرح است، نه طرح اندیشه‌ها و صنعتگری (سعیدی، ۱۳۸۹) .

مخاطبان اصلی لالایی‌ها کودکانند که همزمان شعر، موسیقی و رقص را به اجرا در می‌آورند. از آنجایی که لالایی‌ها در بستر ادبیّات عامیانه و شفاهی جریان دارند، متأسفانه کمتر به کتابت رسمی در آمده‌اند؛ از همین رو بسیار آسیب‌پذیر و فراموش شدنی می‌نمایند (حسن لی، ۱۳۹۰: ٦۲).

در بیان اهمیّت لالایی‌ها باید بدانیم که این گونه‌ی ادبی از طریق آهنگ، میان مادر و کودک ارتباط عاطفی برقرار می‌کند و به او آرامش می‌بخشد و گوشش را برای پذیرش آهنگ و موسیقی مهیا می‌سازد. در واقع اوّلین عامل ارتباط کودک همین موسیقی است؛ چرا که او در ابتدا متوجه معانی لالایی نمی‌شود و بعدهاست که معانی الفاظ را در می‌یابد (دهنوی، ۱۳۹۲: ٤۰).

۲ـ لالایی

از زمان باستان، لالایی نوعی آهنگ و آواز ملایم است که مادران برای به خواب رفتن کودکان می‌خوانند و بخشی از فرهنگ سراسر جهان به شمار می‌رود. موسیقی در تمامی فرهنگ‌ها وجود دارد و سال‌ها تحقیق نشان می‌دهد که موسیقی و کلمات آرام مثل

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

لالایی، امواج دلتای مغز را تحریک می‌کند و به نوزادان آرامش می‌بخشد و راحت‌تر به خواب می‌روند.

لالایی نجوای مهرانگیز والدین است برای آرامش بخشیدن به کودک در هنگامه‌ی خواب؛ نجوایی که مادران در آن بیشتر هنرنمایی کرده و هنرشان مورد قبول مخاطب (کودک) قرار گرفته است. بر همین اساس این هنر به نام مادران ثبت می‌شود و خود از موضوعی پراصالت پرده بر می‌دارد و آن اهمیت نقش مادران در تربیت کودکان و تأثیر گذاری عاطفی بر آنها است.

۲ـ۱ـ لالایی‌ها در ایران

ایران سرزمینی است پهناور که اقوام، طایفه‌ها و تبارهای زیادی در آن زندگی می‌کنند. کهن ترین لالایی جهان نیز با قدمتی چهارده هزار ساله به زبان کردی باستان (اوستایی) سروده شده است.

این آوازهای ماندگار که سینه به سینه نقل شده و از مادران دیروز به مادران امروز رسیده است؛ شاید بدین دلیل به این نام خوانده می‌شود که از دیرباز، غلامان و دایگان ترک (لله‌ها) این آوازها را برای کودکان می‌خوانده‌اند.

لالایی‌ها به لحاظ موسیقایی نیز مهم و قابل توجه‌اند؛ چنان‌که بر اساس نغمات ایرانی، لالایی‌ها در نغمه‌های همایون، شوشتری و گاه دشتی اجرا می‌شود و از این راز پرده بر می‌دارد که نغمات موسیقی ایرانی در ضمیر مادران این سرزمین آشیانه دارد. این امر اهمیّت و تأثیر فرهنگی ـ هنری مادران ایرانی را نمایان می‌سازد؛ و نشان می‌دهد که آنها حتی در شکوفایی حس زیبایی شناختی و درک هنری کودکان نیز می‌توانند مؤثر با شند.

در ارائه‌ی لالایی، طنین و موسیقی به خصوص صدای زیبای مادر بسیار مهم و ارزشمند است؛ چرا که نوزاد از محتوا، مضون و درون مایه‌ی لالایی چیزی نمی‌فهمد و فقط صدای مادر و لالایی اوست که او را به آرامش دعوت می‌کند. محتوا و مضمون لالایی‌ها اغلب اوقات از شادی‌ها، آرزوها، دعاها و آینده‌ی درخشانی حکایت می‌کند که مادران در باورشان برای کودکان خود متصور می‌شوند.

لالایی با آهنگ و طنین نرم خوانده می‌شود؛ یعنی ملودی لالایی دارای حالتی خشن مانند کوفتن طبل در آهنگ‌های رزمی‌نیست، بلکه کاملاً رمانتیک و مشابه درد دل کردن ا ست.

۲ ـ ۲ـ لالایی، روشی برای آموزش زبان و رشد عقلی

هنگامی که مادر برای کودک خود لالایی می‌خواند، به طور ناخودآگاه او را با ریتم و البته کلام آشنا می‌سازد و در واقع زبان مادری را به او آموزش می‌دهد. لالایی از صداهای کشیده‌ی زیادی تشکیل می‌شود. صحبت کردن نوزادان نیز همچون آواز خواندن است و

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

تفاوت زیادی میان آن دو وجود ندارد (همشهری آنلاین).

همان طور که کودک رشد می‌کند از آواز خواندن لذت می‌برد. تطبیق کلمه‌ها به یادگیری سریع کودک می‌انجامد و کودک می‌تواند مدت طولانی‌تری آنها را در مغز خود حفظ کند؛ به همین دلیل، هنوز هم متنِ آهنگ‌هایی را که در دوران طفولیت شنیده‌ایم، به یاد داریم.

مادرانی که برای کودک خود لالایی می‌خوانند، کودک آنان شش ماه زودتر از سایر کودکان حرف می‌زند، به رشد عقلی بالاتری می‌رسد و عملکرد مغز او برای انجام معماهای هوش ریاضی، موسیقی و شطرنج نیز بیش از سایرین خواهد بود. همچنین کودکانی که زیاد به موسیقی گوش می‌دهند، ارتباطات مغزی آنان بسیار پیشرفت می‌کند و این پیشرفت بر راه و روش تفکر آنان نیز تأثیر می‌گذارد.

۲ـ ۳ـ لالایی در آیینه‌ی ادبیات

ادبیات، هم حوزه‌ای است برای بررسی قالب و هم میزان و معیاری برای محتوا. در ترازوی ادبیات، لالایی‌ها گونه‌ای از ترانه سرایی است با همان مشخصه‌های ترانه سرایی (فولکلور)، اما عامیانه تر و به قولی کودکانه تر؛ چرا که در آن سخن از مخاطب است و هر ترانه‌ای نمی‌تواند برای کودک مفید باشد.

۲ـ ٤ـ منشأ لالایی‌ها در هرمزگان

در مورد منشأ لالایی‌ها، عامه‌ی مردم هرمزگان معتقدند؛ زمانی که دین مبین اسلام به سرزمین ایران راه یافت و ایرانیان از صمیم قلب این دین آسمانی را پذیرفتند و مسلمان شدند، از آن پس هرگاه صاحب فرزندی می‌شدند، دایه یا پرستار بچه درگوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه می‌خواند و هنگامی که بچه بیدار می‌شد و گریه می‌کرد، برای خواباندن و آرام کردنش عبارت «لا اله الا الله» را ـ که یک کلام روحانی و آرامش بخش است ـ زمزمه می‌نمود. بدین وسیله بچه آرام می‌گرفت و همین «لااله الا الله» بعدها در ادبیات زنان ـ که سکانداران شایسته‌ی گاهواره‌ی کودکان بوده‌اند ـ به لالایی تبدیل شده است.

مادران در گذشته چون بسان امروز، داروهای آرام بخش در اختیار نداشتند و از طرفی بچه‌ها آنها را بسیار اذیت می‌کردند، پس به کلام خداوند متوسل می‌شدند و در این کار موفق می‌گشتند. هرگاه بچه‌ای گریه می‌کرد به مادرش توصیه می‌شد که واژه‌ی (لالا) که صورت مخفف شده‌ی «لا اله الا الله» است، به کار ببرد و این شد که از واژه‌ی (لالا = خوابیدن) لالایی به وجود آمد؛ چنان‌که:

ل لا لالا کنم رودم نه جیلی	le lālālā konom rudom na - jili
خدا کاهم بکنت چار بند جیلی	xodā kāhem bokont čārbande jili

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

۲ ـ ۵ـ جنسیت در لالایی‌های هرمزگان

گاه جنسیت لالایی‌های هرمزگان نامشخص است و معلوم نیست که روی سخن با چه کسی است، با دختر است یا پسر. معمولاً حُسن خطاب کلام در لالایی‌ها با واژه‌هایی چون رود، طفل، عزیز و... صورت می‌پذیرد؛ امّا گاهی هم در لابه‌لای آنها از کلماتی مانند غلام و کنیز استفاده می‌شود؛ در این هنگام اگر نوزاد دختر باشد، او را کنیز حضرت معصومه (س) و اگر پسر باشد، غلام حضرت معصومه (س) یاد می‌کنند. روی هم رفته لالایی‌های هرمزگان به صورتی متعادل دختران و پسران را مورد خطاب قرار داده و در آن به هر دو جنسیت توجه شده است.

۳ـ نمود طبیعت در لالایی‌های هرمزگان

در لالایی‌ها علاوه بر پرداختن به مسائل مختلف نظیر خانه و زندگی عمومی خانواده، دعاها، خواهش‌ها وآرزوهای مادرانه؛ اوصاف طبیعت مانند انواع گل‌ها، پرندگان، خورشید و ماه و فصل‌ها نیز بازگو می‌شود.

۳-۱- نمود گل

ل لالا ل لالا لایی عزیزم	le lālālā le lālālā lāie azizom
بخو تا گل توی جیلیت بریزم	boxow tā gol tuye jiliet berizom
سر راهت نشینم خستَ خستَ	sare rāhet nešinom xasta xasta
گل ریحُن بچینم دسَتَ، دسَتَ	gole reyhon bečinom dasta dasta
گل ریحُن که بویی نداره	gole reyhon ke buie nadāre
دل من طاقت دوری نداره	dele man tak a te duri nadāre
ل لالا بگم تا روز بگردت	le lālālā begam tā ruz begardet
گل زیبای م پیروز بگردت	gole zibāye me piruz begardet
بخو آرُم عزیز دوردونه‌ی م	boxow ārom aziz dorduney me
بخو ای نوگل گلخونه‌ی م	boxow ey now gole golxuney me

۳-۲- نمود فصل‌ها (گرما وسرما)

ل لالا بگم گرما و زمستون	le lālālā begam garmā vo zemestun
که چوک م بریت امسال دبستون	ke čuke me beryt amsāl dabestun

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

ل لا لالا بگم گرما و سرما
le lālālā begam garmā vo sarmā
که چوک نازنین مه بگنت پا
ke čuke nāzanine me begent pā

ل لالالا کنم لالا للستون
le lālālā konom lālā lelestun
بگم به ی چوک خو گرما زمستون
begam bey čuke xo garmā zemestun

خوشن باد سهیلی از روی هو
xvošen bāde sohyli az roy-e how
خوشن فصل بهار و گندم وجو
xvošen fasle bahār-o- gandom- o jow

۲-٤- نمود شب و روز

ل لالالا بگم تا روز بگردت
le lālālā begam tā ruz begardet
گل زیبای م پیروز بگردت
gole zibāye me piruz begardet

ل لا لالا بگم هر روز و هر شو
le lālālā begam har ruvz - o - har šow
والِ تا چوک ناز م بریت خو
vāle tā čuke nāzom berit xow

والِ لالات بگم ای برگ بیدم
vāle lālāt begam ey barge bidome
که اَمشو خو بریت مایه امیدم
ke amšo xow berit māy-e omidom

ل لالالا خداوندا خداوندی کن امشو
le lālālā xodāvandā xodāvandi kon emšo
دل ناراضی اُم راضی کن امشو
dele nārāziom rāzi kon emšo

۲ـ ۵ـ نمود دریا، باد، باران وکوه

خوشن لالات بگم با موج دیریا
xvošen lālāt begam bā mowje daryā
عزیزم گپ ببی با چشم بینا
azizom gap bebi bā češme binā

خوشن لالات بگم همراه ای باد
xvošen lālāt begam hamrāhe ay bād
روی هر جا بکن ا شهر خو یاد
rawi har jā bokon a šahre xod yād

سر کوه بلند کرباس کرباس
sare kuhe boland karbās karbās
مراد من بده یا حضرت عباس ع
hazrat abbas morāde man bede yā

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

ببار بارون که باریدن ثوابن — bebār bārun ke bāridan sevāben
ببار بارون که طفلم در عذابن — bebār bāron ke teflom dar azāben

ببار بارون سر کبر حسینم — bebār bārun sare kabre hoseynom
حسینم تشنه‌ی ی کطره آبن — hoseynom tešney-e ye katre āben

خوشن باد سهیلی از روی هو — xvošen bāde sohyli az roy-e how
خوشن فصل بهار و گندم وجو — xvošen fasle bahār-o- gandom- o jow

۲-٦- نمود حیوانات و پرندگان

مخن حالا تو ای مرغ سحر، خن — maxon hālā to ey mory sahar xon
مکن بشته به ما ای کک تو نالن — makon bešte be mā ekak to nālon

یه وکت شو نه وکت خوندن تون — ye vakte šow na vakte xondene ton
نه وکت کوکولی کو گفتن تون — na vakte kukoli ku goftene ton

ل لالالا عزیزم ، کبک مستم — le lālālā azizom kabke mastom
میون هرچه بو دل بر تو بستم — myone har če bo del bar to bastom

ل لالالا کنم لالا همیشه — le lālālā konom lālā hamiša
پلنگ در کوه وآهو در بریشه — Polang dar kuh o āhu dar beriša

ل لالالا، گلم باشی، — le lālālā golom bāši
بخووی بلبلم باشی، — bexowi bolbolom bāši
تسلای دلم باشی — tesalāye delom bāši

تحلیل محتوایی لالایی‌ها

مادر با خواندن لالایی در حقیقت با کودک گهواره‌ای خود گفتگو می‌کند و اگر چه می‌داند که او سخنش را نمی‌فهمد؛ همین قدر که گوش فرا می‌دهد برایش کافی است. شعرهای لالایی هر چند بسیار ساده است و گاه گاهی هم از وزن و قافیه خارج می‌شود؛ اما از نظر درون مایه‌ی احساسی، بسیار غنی و همواره ارتباطی تنگاتنگ با نمودهای طبیعت پیرامون خود، اقلیم و موقعیت جغرافیایی حتی حیوانات و پرندگان

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]

محیط زندگی مادر و کودک داشته است.

نتیجه‌گیری

بسیاری از لالایی‌های مادران آیینه‌ی تمام نمای فرهنگ، آداب و رسوم، طبیعت، اقلیم جغرافیایی و حتی روابط بازرگانی اقوام است و می‌تواند بخش عظیمی از واقعیت‌های زندگی روزمره‌ی مردم را بیان کند.

بنابراین شاعران خوش ذوق می‌توانند زمینه‌های این رویکرد فرهنگی ـ تربیتی را از فرزندان خود آغاز نمایند و شرایط لازم برای خلق لالایی‌های منحصر به فرد را فراهم کنند. آنها همچنین می‌توانند مفاهیم ارزشی خود را در گوش هوش کودک جای دهند، هنر و اخلاق را به او بیاموزند و در کنار آن با لالایی‌های خود، خاطره‌ای موزون برای کودکانشان به ارث بگذارند.

باور داشته باشیم که ادبیات ما در این حوزه فقیر مانده است؛ حال آنکه ما می‌توانیم در حفظ و پاسداشت این بخش ارزشمند از فرهنگ عامه و شفاهی مردم کوشاتر باشیم .

منابع و مآخذ

حسن لی، کاووس (۱۳۹۰)، *نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی*، شیراز: دانشگاه شیراز.

دهنوی، مریم (۱۳۹۲)، *بررسی ادبیات شفاهی در هرمزگان*، چاپ اول، قم: دارالتفسیر.

سعیدی، سهراب (۱۳۸۹)، *بررسی لالایی‌های رایج در هرمزگان (میناب)*، قم: سلسال.

همشهری آنلاین ، *تأثیر لالایی روی مغز انسان*، انتشار ۱۳۹۰.

یغمایی، پیرایه، *لالایی‌ها نخستین شعرهای نانوشته‌ی زنان ایرانی*، پایگاه پژوهشی آریا بوم، ۱۳۸۷.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-05]